



سیدی، افشین هاشمی، پرویز جاپهاری و غزاله غضنفری ساخته شد و باهمم سوزه‌ای دفاع‌مقدسی داشت. او در گام بعدی به خسرو سینایی در نگارش فیلمنامه فیلم مستند داستانی «گفت‌وگو با سایه» کمک کرد که به زندگی و اندیشه‌های صادق هدایت می‌پرداخت. او سال ۱۳۸۲در نگارش دو اپیزود از فیلم «روایت سه‌گانه» به همراه پرویز شیخ‌طادی و عبدالحسن برزیده به آنان کمک کرده است و همچنان به‌طور مرتب در فضای ادبیات و سینمای ایران حضور دارد و با اقدامات و نامه‌نوشتن‌های ابتکاری اش ندای حق طلبی و صلح‌خواهی هنرمندان ایرانی را جهانی کرده است.

فیلم بعدی اوست که به ماجرای سقوط هواپیمای مسافربری ایرباس ایرانی در آب‌های خلیج فارس می‌پردازد. مستند بعدی او هم در حال‌وهوای دفاع‌مقدس است. این مستند که «بهترین مجسمه دنیا» نام دارد به روایت شهید دریاقلی سورانی می‌پردازد. در ماه‌های آغاز جنگ که آبادان در محاصره نیروهای دشمن بود و هنگامی‌که دشمن از رودخانه بهمنشیر گذشت و وارد آبادان شد تنها دریاقلی متوجه حضور دشمن شد. او با شجاعت و عزمی شگفت‌انگیز مسافتی ۹ کیلومتری را با وجود حضور دیدبانان دشمن با دوجرخه کپنه خودش پشت سر گذاشت تا این خبر را به مدافعان شهر برساند. پس از آن

داریوش مهرجویی



مهرجویی در آثارش همیشه به اقتباس نگاه ویژه‌ای داشته است، چه در آثار پیش از انقلاب مانند گاو، پستی‌چ و دایره‌مینا و چه در آثار بعد از انقلابش که فهرستی بلندبالا از آثار نویسندگان ایرانی مانند صادق هدایت، هوشنگ مرادی‌کرمانی، فریدون دوستدار، گلی ترقی و مهناز انصاریان و نویسندگان خارجی مانند گزگل، هنریک ایبسن، دیوید جرم سالیجتر و هاینریش بل را شامل می‌شود. مهرجویی نشان داده است به ادبیات به‌عنوان دستمایه‌ای برای ساخت آثار سینمایی‌نگاهی ویژه دارد و آثارش از بهترین نمونه‌های اقتباس در سینمای بعد از انقلاب است.

در سی‌وینجمین دوره جشنواره، «ایتالیا ایتالیا» به کارگردانی و نویسندگی کاوه صباغ‌زاده تنها اثری بود که چراغ اقتباس را روشن نگه داشته بود، فیلمی که براساس داستان کوتاه «یک موضوع موقت» اثر جومیا لاهیری، نویسنده مشهور هندی – آمریکایی نوشته شده بود و مورد استقبال مخاطبان هم قرار گرفت. سال ۱۳۹۶سی‌وششمین جشنواره در حالی برگزار شد که شاهد حضور هیچ فیلم اقتباسی در این دوره نبودیم. در سال بعد و در سی‌وهفتمین دوره جشنواره وضع کمی بهتر شد. غیر از فیلم ناچندان موفق «تیغ و ترمه» اثر کیومرث پوراحمد که اقتباسی از رمان «کی از این چرخ و فلک پیاده می‌شوم» اثر گلرنگ رنجبر بود، شاهد اکران انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» اثر اشکان رهگذر هم بودیم که برداشتی آزاد از داستان ضحاک شاهنامه فردوسی است. این فیلم اولین نماینده سینمای انیمیشن ایران در فهرست ۳۲ اثر رقابت‌کننده در شاخه بهترین انیمیشن آکادمی اسکار بود اگرچه در نهایت نتوانست در فهرست پنج نامزد نهایی بهترین پویانمایی اسکار ۲۰۲۰ قرار گیرد. مهم‌ترین فیلم اقتباسی این دوره «۲۳ نفر» به کارگردانی مهدی جعفری بود که اقتباسی از خاطرات ۲۳ نفر از رزمندگان نوجوان ایرانی است که در جریان جنگ تحمیلی به اسارت درآمدند و خاطرات‌شان در کتابی به همین نام، منتشر شده است. این فیلم برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم از نگاه ملی در سی‌وهفتمین دوره جشنواره فجر شد. در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر که در سال ۱۳۹۸ برگزار شد، هیچ فیلم اقتباسی در این دوره نداشتیم. سال بعد، در دوره سی‌ونهم جشنواره اما وضع بهتر بود. بهترین فیلم جشنواره به انتخاب داوران یعنی «یدو» به کارگردانی مهدی جعفری که محصول سال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود، براساس داستان «زخم شیر» از صمد طاهری ساخته شده بود. همچنین «بی‌همه چیز» به کارگردانی محسن قزایی که برداشتی آزاد از نمایشنامه مشهور «ملاقات بانوی سالخورده» نوشته فریدریش دورنمات بود، در این جشنواره به نمایش درآمد و توانست سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه اقتباسی را نصیب محسن قزایی و محمد داوودی کند. در چهلمین دوره جشنواره هم که پارسال برگزار شد، فیلم‌های اقتباسی وضع خوبی نداشتند. البته حساب «بدون قرار قبلی» با بقیه فیلم‌ها فرق می‌کند. در نگارش این فیلم بهروز شعبی به داستان «مشهد» از کتاب «بهترین شکل ممکن» مصطفی مستور گوشه چشمی داشته است و اتفاقاً خود شعبی در یک برنامه تلویزیونی از همراهی و همکاری مستور با تیم تولید این فیلم سخن گفت و از او تشکر کرد. دیگر فیلمی که در این جشنواره حضور داشت و می‌توان آن را به نوعی اقتباسی برشمرد، «دسته دختران» کار منیر قیدی است که در نگارش فیلمنامه آن از چند کتاب خاطرات جنگ از جمله «یوتنین‌های مریم»، «روزگار آن‌۱۳»، «خانام همین جاست»، «پاپیز»۵۹»، «۱۵» و... استفاده شده است.

■ **چند فیلم خوب در دهه ۹۰**
اما اوضاع فیلم‌های اقتباسی در دوره سی‌ودوم با انتخاب یکی از آنها به عنوان برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم و بهترین فیلمنامه متفاوت شد. در این دوره، بهروز افخمی که قبلاً درباره اقتباس سینمایی‌اش از رمان «گاوخونی» بحث‌های زیادی درگرفته بود، سراغ یکی از رمان‌های مرجان شیرمحمدی به نام «آذر، شه‌دخت، پرویز و دیگران» رفت و این داستان پرکشش را به فیلم تبدیل کرد. فیلمی که خود نویسنده کتاب، در آن به عنوان یکی از نقش‌های اصلی در کنارمهدی فخیم‌زاده، گوهر خیراندیش، رامبد جوان و مانی حقیقی بازی کرد. فیلم اقتباسی دیگر در این دوره جشنواره راکارگردانی ساخته‌بود که خود از ادبیات وارد سینما شده‌بود، نرگس آبیبار به اقتباس یکی از خاطرات کتاب «تفصص» حمید داوودآبادی، فیلم «شیار ۱۴۳» را به جشنواره برد و توانست یکی از ماندگارترین فیلم‌های دفاع‌مقدس دوره‌های اخیر جشنواره را در تاریخ فیلم فجر ثبت کند. خود او بعدا رمانی با همین نام در انتشارات سوره مهر به چاپ رسانده است. سلطان اقتباس ایران یعنی داریوش مهرجویی هم در این دوره، یک فیلم در جشنواره داشت که این اثر هم اقتباسی از آثار یک نویسنده خارجی بود، «اشباح» که اقتباسی بود از نمایشنامه‌ای به همین نام از هنریک ایبسن و البته جزو آثار ماندگار مهرجویی محسوب نمی‌شود. سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر در سال ۱۳۹۳ دوباره شاهد ساخته شدن فیلمی براساس یکی از رمان‌های نا‌هید طباطبایی هستیم، «جامه دران» به کارگردانی حمیدرضا قطبی که خود نویسنده هم در تبدیل آن به فیلمنامه مشارکت داشت و این فیلمنامه مشترک دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه اقتباسی را از آن خود کرد. سی‌وچهارمین دوره جشنواره هم از نظر فیلم‌های اقتباسی وضعیت خوبی نداشت و تنها شاهد یکی دو فیلم اقتباسی در این دوره بودیم. یکی فیلمی از اکتای براهنی بر پایه رمان «حنایت و مکافات» اثر فتودور داستایوسکی با نام «پل خواب» و «نفس» به کارگردانی آبیبار از رمانی به همین نام نوشته خودش که البته رمان بعداً منتشر شد و در بازار کتاب هم موفق بود.

نگاه

دعوی ادامه دار نویسنده و فیلمساز

یکی از مشکلات دیرینه بر سر اقتباس آثار سینمایی، اختلافاتی است که میان فیلمسازان و نویسندگان آثار پیش می‌آید. معمولاً نویسندگان به راحتی اعمال نظر درباره آثارشان را نمی‌پذیرند و در برابر، فیلمسازان هم می‌خواهند از نوشته خود تا حد ممکن دفاع کنند و این مسأله به‌خصوص در زمانی که نویسنده اثر اصلی در جریان روند ساخت فیلم قرار نداشته باشد، تشدید می‌شود. البته دعوی میان نویسندگان و فیلمسازان به همین محدود نمی‌شود و گاهی بحث‌هایی درخصوص مالکیت اصل اثر در می‌گیرد که یکی از مشهورترین نمونه‌های آن در دوره چهارم یعنی سال ۱۳۶۴ اتفاق افتاد که فیلم «آتوبوس» جنجال‌ساز شد. این فیلم در جشنواره بانویسندگی داریوش فرهنگ ارائه شد اما بعداً محمود دولت‌آبادی ادعا کرد این اثر متعلق به اوست و داریوش فرهنگ فیلمنامه را از دولت‌آبادی گرفته و به تلویزیون داده است و فیلم بانام داریوش فرهنگ در جشنواره فیلم فجر اکران شد. البته بعدها زنده یاد... صمدی، کارگردان این فیلم درباره ماجرای ساخت فیلم آتوبوس گفت از ماجرای فیلمنامه در زمان ساخت اطلاعی نداشته است. البته ماجرای دلخوری دولت‌آبادی از فیلمسازان بر سر نوشته‌هایش داستانی قدیمی است که به اختلاف نظر طولانی مدت او با مسعود کیمیایی بر سر فیلم «خاک» برمی‌گردد. کیمیایی که به جز این فیلم، دو اقتباس ادبی دیگر یعنی «داش‌آکل» و «غزل» را هم در کارنامه کاری‌اش دارد، سراغ داستان «آوسنه باباسبحان» دولت‌آبادی رفت و آن را مبنایی برای نگارش فیلمنامه خاک قرار داد ولی وقتی فیلم ساخته شد، باعث اعتراض دولت‌آبادی شد که مدعی بود داستانش خراب شده است. کیمیایی البته بعداً درخصوص نحوه اقتباس ادبی در فیلم‌هایش گفت: دنیای واژه و تصویر متفاوت است و زمانی که شما واژه را عکس نویسی می‌کنید عملاً نگاه خود را وارد می‌نمایید اما حتی اگر به حرف کلمات هم گوش دهیم، بازهم از دنیای نویسنده آن فراتر می‌رود. از نگاه من، فیلمساز مستخدم نویسنده نیست، حتی اگر نویسنده متن خود فیلمساز باشد. در همه اقتباس‌های ادبی که داشتم با مشکلاتی مواجه بودم اما سخت‌ترین آنها همین فیلم خاک بود، چرا که محمود دولت‌آبادی خود از نویسندگی تا سینما و تئاتر در همه جاسر داشت. اوایل هم یکی دو بار فیلم را دید و خوشش آمد و تظا‌هراتی هم داشت، منتها در ادامه در آن جزوه مخالفت‌هایش را هم گفت که بیشتر به شخصیت زن فرنگی فیلم مربوط می‌شد. نمونه دیگری از این گونه دلخوری‌های نویسندگان، انتقاد شدید صادق چوپک بعد از دیدن اقتباس سینمایی امیر نادری از رمان «تنگسیر» بود. شاید به دلیل همین درگیری‌ها و دلخوری‌ها، خیلی از فیلمسازان دوست دارند به جای اقتباس از آثار داستانی و ادبی ایرانی، آثار نویسندگان خارجی را دستمایه تولید آثار، انتخاب قرار دهند. در این موارد، آثار داستانی خارجی که دارای ظرفیت سینمایی هستند و از نظر ادبی امتیازات ویژه‌ای دارند، برای اقتباس انتخاب می‌کنند و چون دست نویسنده از فیلمساز ایرانی کوتاه است، دیگر دعوا و درگیری هم پیش نمی‌آید البته بعداً مشخص شد که مسأله به همین سادگی‌ها هم نیست!

بود که با حضور رزمندگان و مردم شهر، دشمن به آن سوی بهمنشیر رانده و حماسه‌ای بزرگ آفریده شد. این مستند دیپلم افتخار جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت را در سال ۱۳۹۱ کسب کرد. احمدزاده نخستین تجربه فیلمنامه‌نویسی‌اش را با نوشتن «۵۰ قدم آخر» به همراه کیومرث پورا احمد انجام داد. فیلمی که به سرگذشت واقعی یکی از نیروهای اطلاعات لشکر زرهی نجف‌اشرف در عملیات والفجر ۴ می‌پرداخت و بابک حمیدیان و طناز طباطبایی در آن بازی می‌کردند. بعد از آن، «آن‌که دریا می‌رود» را نوشت که آرش معیریان این فیلمنامه را کارگردانی کرد. فیلمی که سال ۱۳۸۵ با بازی هومن

بهترین کارگردانی دست یافت. سال

بعد یعنی ۱۳۸۸، فیلم «چهل سالگی»

که براساس رمانی به همین نام از نا‌هید طباطبایی، ساخته شده بود؛ سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه اقتباسی را در حالی برای علیرضا رئیسیان به همراه آورد که این فیلم هم رقیبی جدی نداشت و تنها رقیبش «نفوذی» به کارگردانی احمد کاوری و مهدی فیوضی بود که فیلمنامه آن بر اساس کتاب «حکایت زمستان» نوشته سعید عاکف نوشته شده بود.

در دوره بیست‌ونهم این جایزه اهدا نشد. در این دوره فیلم «اینجا بدون من» ساخته بهرام توکلی، با اقتباس از نمایشنامه «باغ وحش شیشه‌ای» اثر تنسی ویلیامز ساخته شده بود.

در سی‌امین دوره جشنواره که سال ۱۳۹۰ برگزار شد، سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه اقتباسی به فیلم «پله آخر» به کارگردانی، تهیه‌کنندگی، بازیگری و نویسندگی علی مصفا که برداشتی آزاد از رمان‌های «مردگان» اثر جیمز جویس و «مرگ ایوان ایلیچ» اثر لئو تولستوی بود، اهدا شد. رقیب این فیلم، «مادر پاییزی» به کارگردانی سیروس رنجبر یاجلو بود که اقتباسی است از رمان «ماجرای عجیب سگی در شب» اثر مارک هادون نویسنده انگلیسی.

در سی‌ویکمین دوره جشنواره در سال ۱۳۹۱ مشخص بود که چنین جایزه‌ای به آثار شرکت‌کننده در جشنواره اهدا نخواهد شد، چرا که تنها سه فیلم نه چندان مطرح جشنواره اقتباسی بود: فیلم «تاج محل» به کارگردانی دانش اقباشاوی اقتباسی از فیلم «برف‌های کلیمنجارو» بود که خود این فیلم، اقتباسی از داستان مشهور ارنست همینگوی است. در این دوره داستان «نزاع ایوان ایوانوویچ و ایوان نیکیفورویچ» از نیکلای گزگل نویسنده مشهور روس، دستمایه اقتباسی دیگر در کارنامه سینمایی داریوش مهرجویی شد، فیلم ناموفق «چه خوبه که برگشتی». البته این را هم اضافه کنیم که در این دوره جشنواره بحث‌هایی درباره فیلم «جیب‌بر خیابان جنوبی» و شباهت فراوان آن به فیلم اسپانیایی «زدان» است اما کارگردان این فیلم سیاوش اسعدی گفت که در عنوان‌بندی پایان فیلمش تأکید کرده این فیلم اقتباسی از کتاب «یک داستان فرانسوی» است و در همان بخش نوشته شده با احترام به فیلم «زدان».

اما این تب اقتباس در دوره بیست‌وسوم فروکش کرد و در بیست‌وچهارمین جشنواره در سال ۸۴، شاهد اکران دو فیلم اقتباسی بودیم؛ یکی فیلم «کافه ستاره» ساخته سامان مقدم بود که براساس داستان «کوچه مذاق» اثر نجیب محفوظ، نویسنده مصری برنده نوبل نوشته شده است. همچنین رفیع پیتر در این دوره جشنواره فیلم «زمستان است» را براساس داستانی به نام «سفر» نوشته محمود دولت‌آبادی ساخت که به جای خود فیلم، آلبوم موسیقی آن ساخته حسین علیزاده با صدای محمدرضا شجریان مشهور شد. بیست‌وینجمین دوره جشنواره شاهد دو فیلم اقتباسی بودیم؛ یکی پرسر و صدا و جنجالی و دیگری ناموفق در جلب نظر مخاطبان و منتقدان. فیلم نخست را داریوش مهرجویی ساخته بود، «سنسوری» که به دلیل توقیف شدن و رفع توقیف بعد از چندین سال، فیلم پرسروصدایی هم شد. فیلم برداشتی آزاد از «عقاید یک دلقک» نوشته هاینریش بل و خاطرات خانوادگی رامین اسکندری نویسنده شیرازی در یادداشت‌هایش تحت عنوان «بهار سایه» بوده است.

همچنین فیلم دیگری که در این سال به نمایش درآمد «یاداش سکوت» ساخته مازیار میری بود که از یکی از داستان‌های مجموعه داستان «من قاتل پسران هستم» نوشته احمد دهقان اقتباس شده بود. بسیاری از منتقدان در نقد‌هایشان بر ناموفق بودن این اقتباس تأکید کرده بودند.

در دوره بیست‌وششم جشنواره فجر فیلم «همیشه پای یک زن در میان است» ساخته کمال تبریزی براساس داستان «غیرقابل چاپ» سیدمهدی شجاعی ساخته شد.

جایزه فیلمنامه اقتباسی هم سودی نکرد

در دهه بیست‌وهفتم بخش فیلمنامه اقتباسی به جوایز جشنواره افزوده شد و در این دوره، فیلم «تردید» اثر واروژ کریم‌مسیحی که با نگاهی به «هملت» ویلیام شکسپیر نوشته شده بود، بدون داشتن رقیب جدی به سیمرغ بلورین فیلمنامه اقتباسی در کنار سیمرغ‌های بهترین فیلم و